



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۸ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۲

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثالث: مسح الرأس - کفایت مسمای مسح

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

مرحوم سید (ره)، در ادامه بحث از مسح سر فرموده است: «و يكفى المسمّى و لو بقدر عرض إصبع واحدة أو أقل و الأفضل بل الأحوط أن يكون بمقدار عرض ثلاث أصابع، بل الأولى أن يكون بالثلاث»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، مسمای مسح [، یعنی صرف تماس دست با سر] کفایت می‌کند؛ هرچند که از نظر عرض به اندازه یک انگشت یا کمتر از یک انگشت باشد و أفضل، بلکه احوط [احتیاط مستحب] این است که از نظر عرض به مقدار عرض سه انگشت باشد، بلکه بهتر است که با سه انگشت باشد.

نکته: به مقدار عرض سه انگشت، غیر از سه انگشت است چون گاهی شخص با دو انگشت مسح می‌کند که عرض آن دو انگشت به اندازه سه انگشت متعارف است.

ادله کفایت مسمای مسح [در مسح سر]

دلیل اول

کفایت مسمای مسح، اجماعی است و اجماعی بودن این مسأله به صورت مستفیض نقل شده است بنابراین، به نظر علما مسمای مسح کافی است.

دلیل دوم

کتاب نیز بر کفایت مسمای مسح دلالت دارد: «... وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ ارْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲.

گفته‌اند که منظور از «وامسحوا برؤوسکم» مسح بعض سر است و دلیل آن، روایتی است که در تفسیر آیه مذکور، وارد شده است که در ذیل به آن اشاره می‌شود. بنابراین، منظور از «وامسحوا برؤوسکم»، «وامسحوا ببعض رؤوسکم» است و مقتضای آن، این است که مسمای مسح کفایت می‌کند - بعضی گفته‌اند که مسمّا، اعم از طول و عرض است - با این فرض که گفته شود که آیه مذکور، در مقام بیان بوده است، کما اینکه در رابطه با صید به وسیله کلاب معلّم آمده است که آیه مربوط به صید به وسیله کلاب معلّم در مقام بیان این است که اکل گوشت صید به وسیله سگ معلّم حلال است و این آیه در مقام بیان این نکته نیست که شستن محل تماس با دندان‌های سگ نیز لازم نیست: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»^۳.

روایت ذیل در تفسیر آیه «وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ»، وارد شده است:

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. «المائدة»: ۶.

۳. همان: ۴.

عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع): أَلَا تُخْبِرُنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ وَقُلْتَ: أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ وَبَعْضِ الرَّجُلَيْنِ؟ فَضَحِكَ، فَقَالَ: «يَا زُرَّارَةُ قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَنَزَلَ بِهِ الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: " فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ "، فَعَرَفْنَا أَنَّ الْوَجْهَ كُلَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُغْسَلَ؛ ثُمَّ قَالَ: " وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ "، فَوَصَلَ الْيَدَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ بِالْوَجْهِ، فَعَرَفْنَا أَنَّهُ يَنْبَغِي لَهُمَا أَنْ يُغْسَلَا إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ؛ ثُمَّ فَصَلَ بَيْنَ الْكَلَامِ فَقَالَ: " وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ "، فَعَرَفْنَا حِينَ قَالَ " بِرُءُوسِكُمْ "؛ أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ لِمَكَانِ الْبَاءِ؛ ثُمَّ وَصَلَ الرَّجُلَيْنِ بِالرَّأْسِ كَمَا وَصَلَ الْيَدَيْنِ بِالْوَجْهِ، فَقَالَ: " وَارْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ "، فَعَرَفْنَا حِينَ وَصَلَهُمَا بِالرَّأْسِ؛ أَنَّ الْمَسْحَ عَلَى بَعْضِهِمَا؛ ثُمَّ فَسَّرَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلنَّاسِ فَضَيَّعُوهُ^١.

«باء» در «برؤوسکم»، باء تبعیضیه است.

روایت صحیحہ مذکور، هرچند بر این دلالت دارد که منظور از مسح، مسح به بعض سر است، لکن آنچه مرحوم سید (ره) فرموده است، این است که مسمای مسح کفایت می‌کند لذا روایت مذکور، نمی‌تواند کفایت مسمای مسح را ثابت کند، بلکه تنها چیزی که از روایت مذکور استفاده می‌شود این است که مسح بر بعض سر کفایت می‌کند چون روایت مذکور، در مقام بیان کفایت مسمای مسح نیست، بلکه در مقام بیان این است که استیعاب لازم نیست لذا کفایت مسمای مسح از این روایت استفاده نمی‌شود بنابراین، روایت مذکور، اطلاق ندارد تا با تمسک به اطلاق آن به کفایت مسمای مسح حکم شود. لذا همان‌طور که آیت الله حکیم (ره)^٢ و آیت الله خویی (ره)^٣ اشاره کرده‌اند، اگر ما باشیم و روایت مذکور، «مقدم الرأس» نیز بعض الرأس است و الزماً این‌گونه نیست که منظور از بعض الرأس، مسمای مسح باشد.

بنابراین، درست است که آیه مذکور [آیه ۶ سوره مائدة]، اطلاق دارد، ولی با توجه به اینکه روایتی که در ذیل آیه مذکور به آن استناد شده است، اطلاق ندارد، بلکه در مقام بیان عدم لزوم استیعاب و رد قول عامه مبنی بر مسح تمام سر است لذا استناد به روایت مذکور بر کفایت مسمای مسح، تمام نیست.

دلیل سوم

روایاتی وارد شده‌اند مبنی بر اینکه مسمای مسح کفایت می‌کند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِطَشْتٍ أَوْ تَوْرٍ فِيهِ مَاءٌ... «فَإِذَا مَسَحَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْهِ مَا بَيْنَ الْكَعْبَيْنِ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّاهُ»^٤.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ ابْنَيْ أُعَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَسْحِ: «تَمَسَّحُ عَلَى النَّعْلَيْنِ وَلَا تُدْخِلُ يَدَكَ تَحْتَ الشَّرَاقِ وَإِذَا مَسَحْتَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْكَ مَا بَيْنَ كَعْبَيْكَ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّأَكَ»^٥.

از اطلاق دو روایت مذکور [«بشیء من رأسه» و «بشیء من رأسک»]، به ضمیمه اطلاق آیه مذکور [آیه ۶ سوره مائدة]، استفاده می‌شود که مسمای مسح کفایت می‌کند.

١. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ١، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ٢٣، ص، ح ١.

٢. سید محسن، طباطبائی حکیم، المستمسک فی شرح العروة الوثقی، ج ٢، ص ٣٦٤.

٣. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ٤، ص ١٤٠.

٤. همان، باب ١٥، ص ٣٨٩، ح ٣.

٥. همان، باب ٢٣، ص ٤١٤، ح ٤.

در مسأله مورد بحث علاوه بر قول مشهور که ذکر شد، دو قول دیگر وجود دارد:

قول اول، قول شیخ طوسی (ره) است. ایشان فرموده است که لازم است که مسح بر سر به مقدار عرض یک انگشت باشد. ایشان برای قول خود به روایات ذیل استناد کرده است:

روایت اول: عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) [ای الباقر (ع) او الصادق (ع)] فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ وَ عَلَيْهِ الْعِمَامَةُ؛ قَالَ: «يَرْفَعُ الْعِمَامَةَ بِقَدَرِ مَا يُدْخِلُ إصْبَعَهُ فَيَمْسَحُ عَلَى مُقَدِّمِ رَأْسِهِ»^۱.

روایت دوم: عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحُسَيْنِ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): رَجُلٌ تَوَضَّأَ وَ هُوَ مُعْتَمٌ، فَتَقَلَّ عَلَيْهِ نَزْعُ الْعِمَامَةِ لِمَكَانِ الْبَرْدِ؛ فَقَالَ: «لِيُدْخِلَ إصْبَعَهُ»^۲.

اشکال به دو روایت مذکور

دو روایت مذکور، سنداً و دلالتاً مشکل دارند لذا استناد به آنها تمام نیست.

روایت اول، مرسله است لذا سندش ضعیف است. روایت دوم نیز سنداً ضعیف است چون حسین که در سند این روایت آمده است مجهول است و معلوم نیست که کیست لذا وثاقت او در کتب رجالیه احراز نشده است.

همچنین، روایات مذکور دلالتاً نیز تمام نیستند زیرا ادخال انگشت در زیر امامه از این باب بوده است که این مقدار برای شخص مورد نظر، میسر و ممکن بوده است بنابراین، از «يُدْخِلُ إصْبَعَهُ» که در روایت اول آمده است و «لِيُدْخِلَ إصْبَعَهُ» که در روایت دوم آمده است، استفاده نمی‌شود که مسح از نظر عرض باید به مقدار عرض یک انگشت باشد و به مقدار یک انگشت بودن، واجب است. پس مجرد ادخال انگشت در زیر امامه به خاطر مسح، با این ملازم نیست که مسح حتماً باید با یک انگشت باشد چون ممکن است مسح با کمتر از آن نیز صدق کند.

بحث جلسه آینده: قول دوم، یعنی قول شیخ صدوق (ره) مبنی بر اینکه مسح باید از نظر عرض به اندازه سه انگشت باشد، ان شاء الله، در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، باب ۲۴، ص ۴۱۶، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.